



خطرات سوء استفاده ابزاری متظاهران به ساده زیستی از سیره ائمه(ع)

در فضائی که ظاهرنمائی و ظاهرپسندی حاکمیت دارد، کسی چون حضرت رضا(ع) متهم به اشرافی‌گری می‌شود و فرصت‌طلبانی که هنری جز زهدنمائی و ظاهرسازی ندارند....

یادداشتی از حجت الاسلام والمسلمین سید ضیاء مرتضوی:

خطرات سوء استفاده ابزاری متظاهران به ساده زیستی از سیره ائمه(ع)

در فضائی که ظاهرنمائی و ظاهرپسندی حاکمیت دارد، کسی چون حضرت رضا(ع) متهم به اشرافی‌گری می‌شود و فرصت‌طلبانی که هنری جز زهدنمائی و ظاهرسازی ندارند، فرصت حضور می‌یابند و مطلوب نمایانده می‌شوند. ساده‌زیستی حاکمان هم آن گاه مفید می‌افتد که آنان به الزامات اصلی و وظایف اساسی خود عمل کنند. چه سود از حاکمی که به عنوان مثل همواره نان خشک بخورد اما با «بی‌تدبیری» و «خودسری» خود، بیت‌المال مسلمین را به فلاکت افکند و با گفتارهای «دروغین» و کردارهای «جابرانه» خود، ایمان دسته‌دسته مردمان را به سستی بکشانند!

حجت الاسلام والمسلمین سید ضیاء مرتضوی طی یادداشتی به مخاطرات سوء استفاده ابزاری مدعیان دروغین ساده زیستی از سبک زندگی ائمه اطهار(ع) پرداخته است.

متن کامل این یادداشت

به نقل از پایگاه اطلاع رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی - hashemirafsanjani.ir-

به شرح زیر است:

قرار گرفتن حضرت رضا (علیه‌السلام) در جایگاه ولایت‌عهدی تحمیلی مأمون عباسی، و برخی اقتضائات که پیوند هر چند ظاهری با دستگاه خلافت مأمون پدید می‌آورد، از ناحیه‌ی برخی کسانی که نه فهم درستی از حقایق دین داشتند و نه شناخت درستی از حضرت رضا(علیه‌السلام)، پرسش‌هایی را متوجه آن حضرت می‌کرد که چرا وضع ظاهری وی زاهدانه و همراه با ساده‌زیستی کامل نیست؟

این پرسش طبعاً و عمدتاً از سوی کسانی بود که درک و عقل خود را تحت سیطره چشم ظاهر بین خود قرار داده و فهم درستی از آنچه پیرامون آنان در جامعه می‌گذرد ندارند. چنان که یک بار گروهی از صوفیان در خراسان پیش حضرت آمدند و - با اشاره به اینکه مأمون در میان امت اسلامی و پس از آن در میان اهل بیت، تو را شایسته‌ترین فرد دید و خواست که خلافت را به شما برگرداند، اما امت اسلامی نیازمند پیشوائی هستند که غذای ناگوار بخورد و لباس نا ملایم بپوشد و بر الاغ سوار شود و به عیادت بیمار رود- به روش امام(ع) خرده‌گیری کردند.

اما حضرت رضا(ع) با اشاره به یوسف پیامبر(ع) که لباس‌های دیبا و زریفت می‌پوشید و بر بالش‌های آل‌فرعون تکیه می‌زد و داوری می‌کرد، فرمود:

«آنچه خواست دیگران از امام است قسط و عدل وی است. که وقتی سخن گفت راست بگوید، و وقتی داوری کرد عدالت بورزد، و چون وعده داد به آن عمل کند.» (بحار الانوار، ج 49 ص 275)

چنان که حضرت همین سخن را در پاسخ به گفته‌ی یکی از علاقه‌مندان خود فرمود.

عباس بن هلال شامی همراه با عرض ارادت به امام، به نوع نگاه مردم اشاره کرد که وقتی کسی غذای ساده می‌خورد و لباس ناملایم بر تن می‌کند و افتادگی می‌ورزد، چقدر مورد توجه آنان قرار می‌گیرد و از او خوششان می‌آید!

او با این بیان، نگاه بخشی از جامعه را بازگو کرد که گویا روش حضرت برای آنان مایه‌ی سوال و چه بسا اعتراض بوده است. مردمی که پیش از آنکه افراد را در رفتار و کردار و امانت‌داری و صداقت بشناسند و بیازمایند و حاکمان را پیش از آنکه در مردم‌داری و تدبیر و راستگوئی و عدالت و پای‌بندی به وعده‌ها و برنامه‌ها و شعارها و ادعاها و رعایت ضوابط و قوانین حاکم بشناسند و بیازمایند، دل به ظواهر گفته‌ها و ادعاها و خورد و خوراک و الفاظ جذاب و ظاهرسازی‌های فریبنده آنان می‌بندند و همان را نیز ملاک داوری در باره دیگران قرار می‌دهند.

امام(ع) در روایت دوم، [روایت عباس بن هلال شامی] ضمن اشاره به وضع یوسف پیامبر(ع) خاطرنشان ساخت که مردم به چگونگی لباس یوسف نیاز نداشتند، بلکه نیازمند «عدل» او بودند. و بعد افزود:

«و ائما یحتاج من الامام فی ان اذا قال صدق و اذا وعد انجز و اذا حکم عدل؛ آنچه در امام مورد نیاز است این است که وقتی سخن گفت راست بگوید، و وقتی وعده داد به آن عمل کند، و آن گاه که قضاوت کرد عدالت ورزد.» (کافی، ج 6، ص 453)